

برخلاف ادعای سخنگوی دولت، تاج‌های پهلوی از ایران خارج نشده و در موزه جواهرات نگهداری می‌شود

جای تاج‌ها امن است



پشت آن بر قو قرار دارد.

در اطلاعات ارائه‌شده توسط بانک مرکزی آمده است که این تاج دارای ۳۳۸۰ قطعه الماس به وزن ۱۱۴۴ قیراط، پنج قطعه زمرد به وزن ۱۹۹ قیراط و دو آه، دو قطعه یاقوت کبود به وزن ۱۹ قیراط و ۳۶۸ حبه مروارید است. این تاج در حدود دو کیلو و ۸۰ گرم وزن دارد.

تاج ملکه

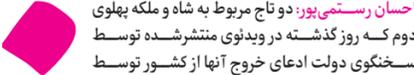
بانک مرکزی ایران در وب‌سایت خود تصویری از تاج ملکه را نیز قرار داده اما جزئیات دقیقی از آن در دسترس نیست. براساس اطلاعات مختصری که از این تاج وجود دارد، تاج ملکه توسط شرکت ون کلیف و آرپلز فرانسوی ساخته شده است. با توجه به اینکه برای ساخت تاج ملکه از سنگ‌ها و جواهرات خزانه سلطنتی استفاده می‌شده و خروج این آثار از ایران ممنوع بوده، آن‌طورکه شرکت ون کلیف و آرپلز در وب‌سایت خود نوشته جواهرسازان این شرکت فرانسوی برای ساخت تاج به ایران آمده‌اند و پیر آرپلز ۲۴ سفر به ایران داشته و یک کارگاه موقتی بر پا کرده است. تاج ملکه ظرف شش ماه ساخته و در مراسم سلطنتی استفاده شد. این تاج بر بستر طلای سفید و یک کلاه مخمل سبز یشمی ساخته شده و براساس اطلاعات شرکت ون کلیف و آرپلز با ۳۶ زمرد، ۲۶ قیراط، ۱۰۵ مروارید، ۱۶۶۹ الماس تزئین شده است. براساس روایت‌ها این تاج حدود دو کیلوگرم وزن دارد و در بروشور شرکت فرانسوی نوشته شده که مجموعه کامل این تاج شامل یک جفت کوشواره و یک گردن‌بند است. همچنین این شرکت برای مراسم تاج‌گذاری جواهرات دیگری برای دختر و خواهران شاه ساخته است.

جواهرات ملی ایران به سفارش بانک مرکزی ساخته است. در بخشی از این فیلم و در معرفی آثار این مجموعه، دو تاج مربوط به پهلوی دوم و ملکه و دو وپترین متوالی دیده می‌شوند. بانک مرکزی ایران نیز در معرفی آثار کنجینه جواهرات ملی خود بخش‌هایی از فیلم خسرو سینیای را روی وب‌سایت خود قرار داده و در همین بخش کوتاه از مستند نیز تاج‌های شاه و ملکه پهلوی در وپترین دیده می‌شوند.

تاج شاه پهلوی

پهلوی اول پس از رسیدن به سلطنت تاجی را برای خود انتخاب کرد که اکنون به تاج پهلوی مشهور و توسط رضاخان و محمدرضا پهلوی استفاده شده است. پیش از این در دوره قاجار از تاج کیانی در تاج‌گذاری‌ها استفاده می‌شده است؛ تاج کیانی نیز یکی از آثار ارزشمند خزانه جواهرات ملی ایران است. به درخواست رضاخان در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، گروهی از جواهرسازان ایرانی، زیر نظر سراج‌الدین جواهری، جواهرساز معروف قفقازی و جواهرساز امیر بخارا که از روسیه به ایران مهاجرت کرده بود، از گوهرهای منتخب، تاج پهلوی را ساختند و رضاخان و محمدرضا پهلوی، برای تاج‌گذاری‌های خود از آن استفاده کردند.

آن‌طورکه وب‌سایت بانک مرکزی توصیف کرده، این تاج از طلا و نقره ساخته شده و آراسته به الماس‌های برلیان بسیار اعلا، نگین‌های درشت زمرد، یاقوت کبود و مروارید است. کلاه تاج مخمل قرمز و در قبه آن که زمرد خیاره در چنگ نشانده، قرار دارد. این تاج در چهار طرف، دارای چهار گنجره پله‌پله به شکل تاج‌های ساسانی است و در وسط و زیر گنجره پیشین آن، خورشیدی زرین با شعاع‌های الماس‌نشان و تخمه الماس زرد درشت نصب شده و در پشت همین گنجره، جقه پایه‌دار اسلیمی و در



احسان رستمی پور، دو تاج مربوط به شاه و ملکه پهلوی دوم که روز گذشته در ویدئوی منتشرشده توسط سخنگوی دولت ادعای خروج آنها از کشور توسط خاندان پهلوی مطرح شده بود، در موزه جواهرات ملی بانک مرکزی ایران نگهداری می‌شوند. انتشار ویدئویی کوتاه از اموالی که آخرین شاه ایران هنگام خروج از کشور همراه خود برده، روز گذشته حرف و حدیث‌های زیادی در فضای مجازی به راه انداخت. این اتفاق زمانی رخ داد که علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، ویدئویی یک‌دقیقه‌ای با لوگوی خبرگزاری ایرنا با تیتَر بخشی از ثروت ایران که پهلوی با خود برد، در صفحه توئیتری خود منتشر کرد و با استناد به ویدئو نوشت که دو تاج شاهنشاهی دوره پهلوی با پنج هزار قطعه الماس که قابل قیمت‌گذاری نیستند، هنگام خروج محمدرضا پهلوی از کشور خارج شده است. در این ویدئو که هم‌زمان با سالگرد خروج پهلوی دوم از ایران منتشر شده، تصویری از دو تاج محمدرضا پهلوی و همسرش نمایش و نوشته شده است که تاج ملکه با هزارو ۶۴۶ قطعه الماس، تاج شاهنشاهی با سه‌هزارو ۳۸۰ قطعه الماس و ۳۸۴ چمدان حاوی عتیقه و جواهرات همراه پهلوی و همسرش از کشور خارج شده است. انتشار این ویدئو با لوگوی خبرگزاری ایرنا و تویت شدن آن توسط سخنگوی دولت باعث شد بسیاری از کاربران فضای مجازی به موضوع خروج این اموال از ایران واکنش نشان دهند.

در این ویدئو درباره خروج این اموال، جزئیاتی ارائه نشده و همچنین به جزئیات ۳۸۴ چمدان حاوی عتیقه و جواهرات نیز پرداخته نشده است. از سوی دیگر اموال خارج‌شده توسط پهلوی‌ها در زمان ترک کشور نیز همچنان مبهم است و لیست دارایی‌هایی که توسط آنها از کشور خارج شده، مشخص نیست. با وجود این دو تاج معروفی که این ویدئو مدعی خروج آنها از کشور است، اکنون در خزانه جواهرات ملی بانک مرکزی ایران نگهداری می‌شود. هرچند اطلاعات دقیقی درباره جابه‌جایی‌های احتمالی این تاج‌ها در طول تاریخ نیست اما اسناد متعددی نشان می‌دهد که این تاج‌ها هم‌اکنون در ایران نگهداری می‌شوند. پس از انتشار تویت علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، بسیاری از افراد به او متذکر شدند که اطلاعات مورد استناد او در خروج تاج‌ها اشتباه است اما تا زمان تنظیم این گزارش سخنگوی دولت و خبرگزاری ایرنا واکنشی به این موضوع نشان نداده‌اند.

تاج‌هایی که در وپترین موزه هستند

خزانه جواهرات ملی با موزه جواهرات بانک مرکزی مدتی است که امکان بازدید عمومی ندارد. با وجود این در وب‌سایت رسمی بانک مرکزی و در بخش معرفی کنجینه آثار این موزه، تاج شاهی پهلوی به عنوان یکی از آثار معروف این موزه معرفی شده است. به دلیل شرایط حفاظتی این مجموعه گران‌بهای کشور، کمتر تصویر و عکسی از کنجینه آن موجود است و پیش از این نیز بازدیدکنندگان اجازه عکاسی از موزه را نداشته‌اند. با وجود این شرایط، یکی از مدارک حضور هر دو تاج سلطنتی پهلوی در موزه جواهرات، مستند «کواهان تاریخ- جواهرات ملی ایران» است. خسرو سینیای مستندساز فقید ایرانی در سال ۱۳۸۷ فیلم مستندی از مجموعه موزه

برای مردم یا اقوام؟



بهروز شیخ‌رودی*

مردم برای استیفای حقوق، رسیدگی به مشکلات و بهبود شرایط اداره امور شهر و کشور نمایندگان خود را برای اداره امور دولت، مجلس و شهر انتخاب می‌کنند و از آنها انتظار دارند نمایندگانشان پس از کسب رای و پیش از هر چیز بر پایه مسئولیت سیاسی، اخلاقی، انسانی و شرعی و در چارچوب منافع و مصالح عمومی رفتار کنند و منافع مردم را بر منافع شخصی و سیاسی خود مقدم بدانند. بر همین اساس منتخبان مردم اعم از رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا بلافاصله پس از انتخاب و در آغاز کار خود در پیشگاه قرآن مجید سوگند یاد می‌کنند تا امانت‌دار امانتی باشند که مردم با رای خود به آنها سپرده‌اند. در این میان مردم به عنوان صاحبان امانت بهترین قضاوت‌کننده درباره امانت‌داری منتخبان و نمایندگانشان هستند.

پایبندیبودن نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا به منافع و مصالح مردم و مقدم‌داشتن منافع شخصی و جریان‌ی بر منافع و مصالح مردم پنهان‌شدنی نیست و به علت مطالبه‌گری افکار عمومی و حساسیت مردم بیش از هر چیز نمود پیدا می‌کند و مورد سؤال قرار می‌گیرد، امری که متأسفانه در سایه پایبندیبودن منتخبان مردم به عهد و سوگندشان رقم می‌خورد و پیامدهایی مانند کاهش مشارکت مردم در انتخابات، ناامیدی و افول سرمایه اجتماعی را به دنبال دارد. در این میان مردم به عنوان صاحبان امانت و شوراهای اسلامی شهرها به علت ارتباط مستقیم با زندگی و مشاهده‌پذیری رخدادها و تغییرات توسط مردم در نوک کوه بیخ نمایش تقدم منافع فردی اعضای شوراهای اسلامی و مدیران شهرداری‌ها بر منافع و مصالح مردم قرار دارند.

جذب و به‌کارگیری بستگان و اقوام اعضای شورای شهر و مدیران شهری در شهرداری‌ها بیش‌بافتاده‌ترین نمود ذبح شایسته‌سالاری، منفعت‌طلبی‌های شخصی و آزاد‌هنده‌ترین رانت ملموس برای شهروندانی است که صاحبان شهر به شمار می‌آید، دردی که تنها در سایه پایبندی به قانون، رعایت تعارض منافع، شفافیت و شایسته‌سالاری قابل علاج است. جذب و به‌کارگیری محمدحسین چمران فرزند مهدی چمران، به عنوان

کلان‌شهر الگوی جهان اسلام را برایش برگزیده، این حرف‌ها تأسف‌آور است.

چندی پیش در رسانه‌های اجتماعی تصویر مکاتبه‌ای در رابطه با انعقاد قرارداد علیرضا نادعلی، عضو و سخنگوی شورای ششم شهر تهران منتشر شد. نادعلی در گفت‌وگویی با خبرنگاران پس از توضیح درباره فیش حقوقی دختر عضو دیگر شورای ششم درباره قرارداد مربوط به خودش گفته بود: در رابطه با قرارداد خودم نیز باید بگویم که بنده قراردادی با خدمات اداری داشتم و قبل از اینکه عضو شورا شوم از سوی خدمات اداری شهر مأمور در شورا شدم، فقط از یک جا حقوق می‌گیرم و قبل از این دوره مدیریت شهری، قرارداد بنده منعقد شده و اینکه برخی می‌گویند از دو جا حقوق می‌گیرم درست نیست و در نظر من این موارد رنگ و بوی سیاسی دارد. نادعلی با این توضیحات خود را کارمند شهرداری پیش از عضویت در شورا دانسته و از سابقه قرارداد خود قبل از این دوره مدیریت شهری سخن گفته‌اند. سابقه کارمندی که احتمالا به حضور ایشان در سازمان بسیج شهرداری تهران تا پیش از دوره پنجم بازمی‌گردد، چراکه مطابق شواهد و قراین نادعلی پیش از عضویت در شورای ششم در آبان ۱۳۹۷ ابتدا به عنوان مشاور و رئیس دفتر، سپس در اردیبهشت ۱۳۹۸ به عنوان مدیر کل حوزه ریاست سازمان تبلیغات اسلامی و سرآخر در اردیبهشت ۱۴۰۰ به عنوان دستیار رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با حکم رئیس سازمان تبلیغات اسلامی منصوب شده و در آن سازمان مشغول به کار بوده و در این مدت رابطه استخدامی میان او و شهرداری قطع شده است، چراکه برابر قانون مأموریت کارکنان قراردادی شهرداری تهران به دستگاه‌های اجرایی امکان‌پذیر نیست. از سویی دیگر مطابق تصویر مکاتبه منتشرشده در رسانه‌های اجتماعی، طبق دستور سرپرست وقت شهرداری تهران در تاریخ دهم شهریور ۱۴۰۰ یعنی ۲۷ روز پس از آغاز به کار شورای ششم، مدیر کل و یکنایع انسانی شهرداری تهران در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۴۰۰ طی نامه‌ای خطاب به مدیرعامل شرکت خدمات اداری شهر تقاضای انعقاد قرارداد با علیرضا نادعلی را مطابق طرح طبقه‌بندی شغلی در گروه ۱۹ و با هزینه حوزه شهرداری تهران از تاریخ شروع به کار اعلام‌شده توسط حوزه شهردار تهران مطرح می‌کند. برابر رونوشت سوم نامه از اداره کل حوزه شهردار تهران تقاضای اعلام تاریخ شروع به کار این عضو شورای ششم به شرکت خدمات اداری شهر شده است و مطابق رونوشت پنجم اداره کل منابع انسانی شهرداری تهران خواستار اعلام نظر نماینده شهردار و دبیر هیئت مرکزی گزینش شهرداری تهران درباره اشتغال به کار آقای نادعلی عضو شورای

فراخوان

فراخوان کمک به خدیجه مادری بی‌پناه

ما در صفحه اجتماعی روزنامه «شترق»، در کنار هم به مردان بی‌پناه زیادی کمک کرده‌ایم. حالا اینجا مدت‌هاست که پناهی برای آدم‌های تنهاست. این‌بار نوبت خدیجه است. ۵۶ساله از روستاهای مرزی دورافتاده که تنها پسرش حالا در انتظار اجرای حکم اعدام است. خدیجه شغلش نانواپی است، یعنی برای خانه‌هایی که کوره دارند، نان می‌پزد و روزانه دستمزد می‌گیرد. خیلی اهل حرف‌زدن نیست و وقتی سوآلی از او می‌پرسی جوابش اشک‌هایی به پنهای صورتش است که پایین می‌ریزد. خدیجه با مزد روزانه‌اش و کارهای خانگی مثل درست‌کردن مربا و سبزی خشک آن قدری درمی‌آورد که زنده بماند. دست‌های همیشه تاول‌زده و چشم‌هایی که دیگر سوپی ندارند، برای او حاصل زندگی در محرومیت است. شوهر خدیجه سال‌هاست که مفقود شده و بعد از گذشتن ۱۰ سال فقط شناسنامه باطل‌شده او را به دستش دادند. مردی که هیچ‌وقت برای رفتش لیلی نیآورد و او را با کودکی شش‌ساله تنها گذاشت. کودکی که امروز ۲۶ساله است و مادر تنهایش در تلاش برای شکستن حکم او. خدیجه نیاز به یک سرپناه جدی دارد. بدهی او به صاحبخانه سر به آسمان گذاشته. سر به آسمان، اندازه آسمان کوچک زندگی زنی است که تابه‌حال شهرهای بزرگ را ندیده. وقتی درباره بدهی از او سوآل می‌کنیم، چشم‌هایش از نگرانی بر می‌شود و آرام و زیر لب، گو اینکه بخواد از ضرب عدد در ذهنش بکاهش می‌گوید: ۱۰ میلیون تومان؛ ۱۰ میلیون تومانی که خرج رفت و آمد خدیجه به زندان و دادگاه برای دیدن پسرش و اجاره چند ماه شد. خدیجه می‌گوید صاحبخانه با او راه آمده و او حالا دیگر شرایطی برای هردو آنها سخت شده. صاحبخانه هم مانند او زنی تنهاست و او هم برای کمک به خدیجه از اقوامش پول قرض گرفته و همچنین به اجاره نیازمند است. خدیجه برای اینکه سرا بایستد و بخشی از هزینه‌های سفر به مرکز استان برای پیگیری کار فرزندش را بدهد و بتواند حسابش را با صاحبخانه تسویه کند و قرارداد جدید امضا کند، به ۳۰ میلیون تومان نیاز دارد؛ ۳۰ میلیونی که ما برای فراهم‌کردنش روی شما حساب کرده‌ایم. خدیجه وقتی دست‌هایش را توی هم کره کرده بود، گفت تنها آرزویش برگشتن پسرش است، گفت دلش می‌خواهد دوباره کسی در بزند و قربان صدقه‌اش برود. شاید دوباره پسر خدیجه در را باز نکند اما حداقل سقفی هست که زیر آن آرزوهایش را بشمارد. در صورت تمایل می‌توانید مبالغ اهدایی خود را به شماره کارت ۵۰۷۰۶۱۰۳۵۲۱۸۴۴۱-۶۱۰۳۵۲۱۸۴۴۱ بانک شهر، به نام شهرداد همتی بل‌سنگی، دبیر اجتماعی روزنامه «شترق» واریز کنید.

ادامه از صفحه ۲

حسن روحانی می‌خواهد نقش هاشمی را ایفا کند

♦ **ولی از وضعیت برنامه‌ریزی احزاب اصلی جریان اصلاحات بـرای حضور، تصمیم‌گیری، رایزنی و به طور کلی فعالیت در جهت انتخابات مجلس دوازدهم چنین برمی‌آید که هیچ‌کدام از آنها (اعتماد ملی، مجمع نیروهای خط امام، کارگزاران سازندگی، مردم‌سالاری، اتحاد ملت، اعتدال و توسعه و…) هنوز گامی در این زمینه برداشته‌اند. در مقابل جریان اصولگرا مدتی است هم برنامه‌ریزی و بررسی‌های اولیه را برای انتخابات مجلس سسال آینده آغاز کرده و هم به موازاتش چهره‌های نزدیک به این جریان از لزوم آماده‌سازی زمینه‌های مناسب برای افزایش مشارکت سخن می‌گویند. حتی منوچهر متکی ۲۱ آذرماه نشستـی خـبری برگزار کرد. از سوی دیگر اخبار ضدونقیضی از آغاز فعالیت گروه‌های حامی محمدباقر قالیباف برای حضور در انتخابات مجلس نیز شنیده می‌شود. آیا فضای برای دگردیسی در مجلس فراهم است؟**

اگرچه فعلا جریان‌های اصلاح‌طلب و مستقل درباره انتخابات سال آینده برنامه‌ای ندارند، اما به نظر می‌رسد که عملکرد قدرت یک‌دست‌شده در ۱۷ ماه گذشته می‌تواند مهم‌ترین پارامتر در هم‌صدایی و هم‌گرایی تمام گروه‌های اصلاح‌طلب، میانه‌رو و اعتدالی برای انتخابات پیش‌رو باشد، کما اینکه عملکرد مجلس نهم و دولت احمدی‌نژاد هم نهایتا به انتخابات سال ۹۲ و به دنبالش انتخابات مجلس دهم منجر شد. پس زمانی که ما شاهد عملکرد مجلس یازدهم و دولت سیزدهم هستیم، خودبه‌خود فضا برای این دگردیسی شکل خواهد گرفت. در ضمن حتی اگر جریان اصولگرا اکنون به طور مداوم نشست‌ها و جلساتی داشته باشند به این معنا نیست که خواهند توانست به یک برنامه مدون و مشخص برای انتخابات دست پیدا کنند، چون این جریان اکنون با یک چالش اصلی مواجه است.

♦ **چه چالشی؟**

اینکه برخلاف دور قبل اکنون، نه در مقام طلبکار و مدعی، بلکه باید در مقام پاسخ‌گو حضور پیدا کنند و مسئولیت کارنامه مجلس یازدهم و دولت سیزدهم را بپذیرند.

♦ **علاوه بر این موضوعات اخیرا وب‌سایت رسمی حسن روحانی به طور آزمایشی آغاز به کار کرد. آن‌گونه که مطرح است این پایگاه اطلاع‌رسانی، علاوه بر انتشار اخبار و مواضع رسمی حسن روحانی، کارنامه دولت وی را نیز مرور می‌کند و در کنارش به بازخوانی مواضع و انتشار روایت‌های ناگفته از دوران ریاست‌ساله جمهوری حسن روحانی می‌پردازد. همچنین فراز است خاطرات رئیس‌جمهور سابق ایران از دوران نامزدی در انتخابات ۹۲ تا تشکیل دولت و فرازوفروندهای دو دوره چهارساله و تاریخ شفاهی اعضای کابینه و مدیران ارشد دولت یازدهم و دوازدهم نیز در این سایت منتشر شود. تا همین جای کار انتشار تاریخ شفاهی محمدجواد ظریف هنوز هم یک جنجال بزرگ سیاسی است که لایه‌ها و ابعاد آن به خوبی واکاوی و روشن نشده است. اما با همین دستور کارها، (com.rouhanihassan) می‌تواند حساسیت‌زا باشد، هر چند این سناریو هم محتمل است که این سایت سرنوشتی چون دولت بهار پیدا می‌کند و عملا بی‌بو و بی‌خاصیت باشد. شما کدام یک از این دو حالت را جدی می‌دانید؟**

ببینید اساسا نمی‌توان حسن روحانی و محمود احمدی‌نژاد را با هم مقایسه کرد. چون محمود احمدی‌نژاد یک چهره کاملا سینوسمی از خود نشان داده است و موضع‌گیری ثابتی ندارد. یعنی احمدی‌نژاد فعلی با احمدی‌نژاد ۸۴ تا ۹۲ دو چهره کاملا متضاد است. این نشان می‌دهد که او اساسا بیش و تحلیل سیاسی ندارد و یک شومن است. البته الان احمدی‌نژاد بیش از آنکه حتی یک ورشکسته سیاسی باشد یک مرده سیاسی است که ارزش چوب‌زدن هم ندارد. برخلاف آن حسن روحانی شخصیت ثابتی دارد که از ابتدای انقلاب در پست‌های حساس دفاعی و امنیتی بوده است. پس عقلانیت سیاسی او مانع از آن می‌شود که دست به موضع‌گیری‌های احساسی و فراتراری سینوسی بزند. به همین دلیل به نظر من اقدام روحانی برای راه‌اندازی این سایت بسیار هوشمندانه است و اتفاقا از تریبون روزنامه «شترق» می‌خواهم این پیشنهاد را هم به آقای روحانی بدهم که جا دارد یک روزنامه هم راه‌اندازی کند. اما درخصوص محور و دستورکارهای این سایت من معتقدم که آقای روحانی نباید به سرعت به سمت بازگویی خاطره‌ها و یا انتشار تاریخ شفاهی وزرا رفته که بی‌شک حساسیت‌زا خواهد بود و حتی می‌تواند به مسدودشدن آن منجر شود. روحانی در همین برهه می‌تواند به صورت تدریجی برخی از سخنرانی‌های هشت سال دوره ریاست‌جمهوری را که با تحولات و اتفاقات کشور همخوانی بیشتری دارد، منتشر کند که در راستای تحلیل پیشینم به بازتعریف طیف حامی او در جامعه منجر شود. چون باز هم تأکید دارم عملکرد قدرت یک‌دست‌شده اجرائی اکنون باعث شده است که گارد بسته افکار عمومی کنار گذاشته شود و جامعه تا حدی، تأکید دارم تا حدی پذیرای سخنان روحانی باشد. لذا بدیهی است که به هیچ وجه این سایت نمی‌تواند مانند سایت احمدی‌نژاد باشد. در ضمن این اقدام روحانی برای راه‌اندازی سایت از آن جهت قابل دفاع است که ایشان برخلاف دیگر شخصیت‌ها دفتر اثری از نثر خاطرات و آثار خود ندارد. اصلا تریبوتی برای بیان دیدگاه‌های خود ندارد. این سایت می‌تواند تریبون روحانی باشد.